

حقوق پدید آورنده آثار ادبی و هنری

علی اکبر کوچکی پور
گروه حقوق

چکیده:

ایران تاکنون به کنوانسیونهای بین‌المللی حق مؤلف چون کنوانسیون برن، پاریس، ژنو و ژم ملحق نشده قوانین موجود در زمینه حقوق پدید آورنده ناقص بوده، نیازمند تجدید نظر و تدوین قانون جدیدی است. در این مقاله سعی شده حقوق مادی و معنوی پدید آورنده از دیدگاه حقوق ایران و کنوانسیونهای بین‌المللی و همینطور سایر کشورهای جهان مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

مقدمه

آشنا نبودن به حقوقی که قانونگذار برای پدید آورندگان آثار ادبی و هنری در نظر گرفته، ممکن است خسارات جبران ناپذیری به این قشر از جامعه وارد آورد. در این مقاله به بررسی این حقوق پرداخته، انواع این حقوق، ویژگیها و خصایص آنها از نظر شما خوانندگان محترم خواهد گذشت.

حقوق پدید آورنده اثر ادبی و هنری، قدرت و امتیاز پدید آورنده اثر ادبی و هنری بر اثر اصیل فکری اوست که به موجب آن می‌تواند از عرضه عمومی، تعریف و تغییر غیرمجاز اثر توسط دیگران جلوگیری کند و متخلف را تحت پیگرد قانونی قرار دهد.

قانونگذار به منظور حفظ و صیانت اثر و جلوگیری از تعدی و تجاوز حقوق پدید آورنده اثر، حقوق مادی و معنوی را پیش بینی کرده است. حقوق معنوی "امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندیهای عاطفی و اخلاقی انسان است. موضوع این حق روابط غیرمالی اشخاص است. ارزش داد و ستد ندارد و به طور مستقیم قابل ارزیابی به پول و مبادله نیست."^(۱) حقوق مادی حقی است که اجرای آن بطور مستقیم برای صاحب حق ایجاد سود می‌کند و می‌توان آن را با پول ارزش گذاری کرد. حقوق معنوی پدید آورنده ممکن است به اعتبار خود پدید آورنده و یا به اعتبار اثرش باشد. این حقوق به اعتبار شخص پدید آورنده شامل "حق حرمت نام و عنوان پدید آورنده" و به اعتبار اثرش شامل حق عرضه عمومی اثر، حق عدول، حق حفظ یکپارچگی اثر و عنوان اثر است.

حقوق مادی پدید آورنده نیز ممکن است ناشی از استفاده مستقیم اثر و یا استفاده غیرمستقیم آن باشد. حقوق مادی ناشی از استفاده مستقیم اثر، شامل حق نشر و تکثیر آن، حق پخش، حق ضبط، حق اجرا و نمایش اثر و حق استفاده از پاداش و جایزه، و حقوق مادی ناشی از استفاده غیرمستقیم اثر، شامل حق تبدیل و ترجمه اثر است.

پروژه مجله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- حقوق معنوی پدید آورنده

۱-۱ پیشینه حقوق معنوی

سابقه تاریخی حقوق معنوی به عهد باستان برمی‌گردد. در آن زمان حقوق معنوی به عنوان مظهری از حقوق طبیعی به دلیل موقعیت ممتاز نویسندگان صرفاً از ضمانت اجرای اخلاقی برخوردار بود و به حمایت قانونی نیازی نبود. نمونه‌ای از اینگونه حمایت را می‌توان در نشر اثر افلاطون توسط شاگردش "هرمودور" ملاحظه کرد. هرمودور که شاگرد افلاطون بود، یادداشتهای خود را با خود به سیسیل برد و در آنجا به فروش رساند. این عمل که بدون اجازه افلاطون انجام گرفته بود، نه تنها مورد

شما تپ اهل علم و ادب آن زمان فرار گرفت بلکه خشم مردم را نیز برانگیخت^(۲). حقوق معنوی از زمان کانت، فیلسوف شهیر آلمان، به صورت قاعده حقوق موضوعه نمودار گشت. چنانکه می‌توان گفت امروز در غالب ممالک جهان این حقوق مستقل از حقوق مادی در قوانین موضوعه پیش بینی شده و در آن دسته از کشورهایی که حقوق معنوی صریحاً در قوانین موضوعه پیش بینی نشده، قوانین موضوعه، مسأله حمایت از حقوق معنوی را به محاکم و اگذار نموده‌اند؛ به عنوان مثال، تئوری حقوق معنوی در آمریکا به موجب قانون حق مؤلف شناخته نشده اما ماهیت آن توسط محاکم این کشور پذیرفته شده است.

۱-۲- خصایص و ویژگیهای حقوق معنوی

حقوق معنوی دارای ویژگی و خصایصی چون غیر قابل انتقال بودن و محدودن به زمان و مکان بودن است.

۱-۲-۱ غیر قابل انتقال بودن

موضوع غیر قابل انتقال بودن حقوق معنوی در ماده ۴ "قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" ایران و همچنین در بند اول ماده ۶ کنوانسیون برن پیش بینی شده است. این بند مقرر می‌دارد: "مستقل از حقوق مادی پدید آورنده و حتی پس از انتقال حقوق گفته شده، پدید آورنده حق ادعای مالکیت اثر و حق اعتراض و مخالفت نمودن با هر گونه تحریف، تغییر مفهوم یا سایر تغییر یا اقدام زیان آور نسبت به اثر، که به عزت و شرف و اعتبار او لطمه وارد کند، را دارد".

در توجیه غیر قابل انتقال بودن حقوق معنوی باید گفت: از آنجا که حقوق معنوی پدید آورنده از جمله حقوق مربوط به شخصیت بوده، قابل واگذاری به دیگران نیست. "این گونه امتیازها در زمره احکام وضعی است که قانون به وجود آورده و بطور امری اداره می‌کند؛ به همین جهت به کار بردن کلمه حق در باره آنها رسمی است که بدون مسامحه نباید پذیرفت^(۳)" در نتیجه "حق معنوی بر تألیف را وارثان چنان که هست می‌توانند اجرا کنند، ولی اصل حق به ایشان منتقل نشده است، چنان که مؤلف می‌تواند نوشته خود را به کلی دگرگون سازد، نظرهایی مخالف با نظرهای گذشته بدهد یا آن را از بین ببرد، ولی وارثان چنین اختیاری ندارد. آنان وظیفه دارند که میراث خویش را حفظ کنند و

با استفاده از وسایل اجرایی حق، از مزایای مالی آن بهره‌مند شوند" (۴). تفاوت بین انتقال اصل حق با اجرای آن، همان‌گونه که ماده ۳ مقررات حقوق مؤلف مکزییک مصوب ۲۹ دسامبر ۱۹۵۶ مؤید آن است، در این است که در صورت انتقال حقوق معنوی، وارث یا سایر اشخاصی که به سود آنها وصیت شده می‌توانند اثر را دگرگون کنند و تغییر دهند و یا نظری مخالف نظر ارائه شده قبلی بدهند، حال آنکه قوانین هیچ کشور و یا هیچ کنوانسیون بین‌المللی چنین اختیاری را به وارثان یا سایر اشخاص نداده است. اما انتقال اجرای حق مستلزم مراتب مزبور نیست بلکه صرفاً در صورتی که اثر توسط دیگری مورد تحریف و یا تغییر قرار گیرد، وارث یا سایر اشخاص به عنوان قائم مقام پدید آورنده می‌توانند خطای را تحت پیگرد قانونی قرار داده، از حقوق او دفاع کنند.

۱-۲-۲ محدود به زمان و مکان نبودن

برای حمایت از حقوق معنوی هیچگونه محدودیت زمانی و مکانی نیست و این حق برای همیشه، حتی در خارج از قلمرو حاکمیت کشوری که اثر در آن به وجود آمده، قابل حمایت است. ماده ۴ "قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" مؤید این امر بوده، بیان می‌دارد: "حقوق معنوی پدید آورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است". بنابراین با وصف امکان استفاده از حقوق مادی پس از انقضای مدت معین و یا در خارج از قلمرو سرزمین محل حمایت، که مورد اخیر در کشورهایی که به کنوانسیونهای بین‌المللی مربوط به حق مؤلف ملحق نشدند، شایع و رایج است، نمی‌توان در هیچ زمان و یا مکانی حقوق معنوی پدید آورنده را مورد سوء استفاده قرار داد؛ به عنوان مثال اگر اثر برای نخستین بار در کشور فرانسه منتشر شود، ناشر ایرانی می‌تواند آن را در ایران تکثیر و منتشر نماید و در صورت انتشار، قابل تعقیب و مجازات نیست، زیرا ایران نه با فرانسه قرارداد متقابل حمایت از آثار ادبی و هنری دارد و نه عضو هیچیک از کنوانسیونهای بین‌المللی که فرانسه عضو آن است می‌باشد. اما همین اثر را ناشر ایرانی نمی‌تواند با دخل و تصرف در مطالب آن منتشر کند و در صورت ارتکاب چنین عملی، به دلیل تعدی به حقوق معنوی پدید آورنده قابل تعقیب و مجازات است.

۱-۳ انواع حقوق معنوی

۱-۳-۱ حقوق معنوی پدید آورنده به اعتبار پدید آورنده

حقوق معنوی پدید آورنده به اعتبار خودش شامل "حق حرمت نام و عنوان پدید آورنده" است. حق تصمیم‌گیری اینکه نام واقعی یا مستعار او باید به عنوان پدید آورنده اثر در زمان عرضه آن تعیین گردد با خود پدید آورنده است. به موجب این حق، اگر خود پدید آورنده اسم مستعاری برای خود تعیین کند، دیگران نمی‌توانند هنگام عرضه اثر، اسم حقیقی او را منعکس نمایند؛ یعنی در صورت انتقال حقوق مادی، خواه انتقال ارادی باشد یا غیرارادی و خواه منتقل الیه از نام واقعی پدید آورنده مطلع باشد یا نباشد، در هنگام عرضه یا اقتباس از اثر نمی‌توان نام حقیقی او را به کار برد، بلکه باید از اسم مستعار استفاده شود زیرا شاید پدید آورنده قصد داشته با انتشار اثر، هویت او افشا نگردد و بدین منظور از اسم مستعار استفاده کرده است.

پس در صورت نبودن شرط خلاف، استفاده‌کننده باید نام پدید آورنده را به همان ترتیبی که او پذیرفته، به کار برد، چرا که حقوق پدید آورنده نسبت به نام و عنوان خود از جمله حقوق معنوی و جزئی از شخصیت اوست و تجاوز به آن در حکم تجاوز به شخصیت پدید آورنده است.

غرض از عنوان پدید آورنده همان توصیف مشاغل و مدارج علمی او مانند استادیار دانشگاه، دکترای حقوق و غیره است. مسأله حمایت نام و عنوان پدید آورنده در ماده ۱۸ قانون ۱۳۴۸ پیش‌بینی شده، در این ماده آمده است: "انتقال‌گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور بهره‌بردن دارند، باید نام پدید آورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول، اعلام و درج کنند مگر اینکه پدید آورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد."

۱-۳-۲ حقوق معنوی پدید آورنده به اعتبار اثرش

حقوق معنوی پدید آورنده به اعتبار اثر، چنان‌که در مقدمه گذشت، شامل حق عرضه عمومی اثر، حق عدول و حق حفظ یکپارچگی اثر و عنوان اثر است که به بررسی یکایک آنها می‌پردازیم:

الف - حقی عرضه عمومی اثر

مهمترین حقوق پدید آورنده اثر هنری، حق عرضه عمومی یا حق همگانی ساختن اثر است. در گزارش کلی مربوط به نهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی (تهران ۱۹۷۴) نوشته استاد "اورلیان جوناسکو" آمده است: "مهمترین و برجسته‌ترین حق معنوی مؤلف حق انتشار است که مقدمه و شرط حقوق دیگر و به خصوص حق منتفع شدن از بهره‌برداری از اثرش به شمار می‌رود. شناساندن افکار خود به دیگران یکی از مسلمترین حقوق شخصی هر انسانی است. انتشار اثر بدون رضایت مؤلف آن، تجاوز به شخصیت و آزادی فردی او تلقی می‌شود، به همین سبب حق شناساندن اثر به مردم یک حق شخصی، انحصاری و بی‌قید و شرط مؤلف به حساب می‌آید. به موجب این حق، فقط مؤلف می‌تواند انتشار یا معرفی کردن اثرش را اجازه دهد و یا موافقت کند که دیگران از اثرش به منظور تنظیم یک اثر "ترکیبی" و یا "جمعی" استفاده نمایند (۵).

حقوق ژاپن علاوه بر پیش‌بینی حق عرضه عمومی اثر در خصوص آثاری که با اجازه پدید آورنده عرضه می‌شود، حق معنوی عرضه عمومی اثر را در خصوص آثاری که بدون اجازه پدید آورنده همگانی شده و همینطور اثری که از اثر پدید آورنده ناشی شده، پیش‌بینی کرده است. اثری که بدون اجازه پدید آورنده اش عرضه می‌گردد، همانند اثری است که عرضه نشده است. چون عرضه قبلی مطابق با قانون نبوده و قانون هم از عمل خلاف قانون حمایت نمی‌کند. آثار عملی آن، زمانی آشکار می‌شود که اثری که برای مدت معین از تاریخ عرضه حمایت می‌شود بدون اجازه پدید آورنده عرضه شود و مدت معینی از تاریخ عرضه غیرمجاز اثر بگذرد. در یک چنین موردی مدت حمایت از زمانی که پدید آورنده به عرضه اثر رضایت داده محاسبه می‌شود نه از تاریخی که بدون اجازه او منتشر شده است؛ به عنوان مثال، اگر اثر عکاسی در سال ۱۳۶۰ بدون اجازه صاحب اثر و در سال ۱۳۷۰ با اجازه او عرضه شود، مدت حمایت از سال ۱۳۷۰ که اثر با اجازه پدید آورنده عرضه شده، محاسبه می‌شود نه از سال ۱۳۶۰ که اثر بدون اجازه او عرضه شده است.

بند ۳ ماده ۱۸ قانون حقوق مؤلف ژاپن در این خصوص مقرر می‌دارد: "پدید آورنده، حق عرضه و در دسترس همگان قرار دادن اثرش را که هنوز همگانی نشده دارد (از جمله اثری که بدون

اجازه پدید آورنده عرضه عمومی شده... پدید آورنده همان حق را در مورد آثاری که از اثرش ناشی شده، ولی هنوز عرضه عمومی نشده است دارد". موضوع حق معنوی همگانی ساختن اثر، صریحاً در قانون ۱۳۴۸ پیش بینی نشده است، اما می‌توان از مضمون ماده ۳ که می‌گوید: "حقوق پدید آورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست"، این امر را استنباط کرد.

بامعان نظر به مراتب معروض، اگر پدید آورنده اثر پس از پیدایش اثر در حیات خویش آن را در دسترس همگان قرار ندهد و عرضه عمومی آن را به قائم مقام خویش برای پس از مرگ واگذار نکند، قائم مقام نمی‌تواند اثرش را عرضه کند و در صورت عرضه، حق معنوی پدید آورنده مورد تجاوز قرار می‌گیرد. البته لازم به یادآوری است که اصل بر انتقال چنین حقی است مگر خلاف آن ثابت شود.

ب- حق عدول

از جمله حقوق معنوی دیگری که در قانون حقوق پدید آورنده فرانسه برای پدید آورنده اثر پیش بینی شده و در قانون ایران و کنفرانسهای بین‌المللی پیش‌بینی نگردیده، حق عدول یا انصراف است. حق عدول یا انصراف یعنی حق استرداد پس از انتقال اثر؛ به عنوان مثال اگر تهیه‌کننده و پدید آورنده اثر به موجب عقد قرارداد، تسلیم اثرش را به دیگری تعهد کند، پس از انعقاد قرارداد و پس از واگذاری حق انتفاع و بهره‌برداری می‌تواند از تسلیم آن خودداری کند و در صورت تسلیم، آن را از منتقل‌الیه پس بگیرد، اما در صورت استرداد و پس گرفتن اثر، لازم است خسارت وارده به منتقل‌الیه را جبران کند، زیرا عقد قرارداد موجب تحمل هزینه‌ای شده که منشأ آن پدید آورنده بوده و چون بدون ارتکاب قصور از طرف منتقل‌الیه قرارداد را فسخ کرده باید خسارت را جبران نماید.

ماده ۳۲ قانون فرانسه در این خصوص بیان می‌دارد: "پس از انتقال حق بهره‌برداری و حتی پس از انتشار و عرضه اثر پدید آورنده حق تصحیح یا استرداد اثر خود را از منتقل‌الیه دارد، اما این حق در صورتی قابل اجراست که خسارات احتمالی وارد شده به منتقل‌الیه را در باره تصحیح یا استرداد اثر پرداخت کند". علت پیش‌بینی حق عدول این است که شخصیت پدید آورنده در اثر عجین‌گشته، احترام به شخصیت او ایجاب می‌کند که در صورت انصراف و عدم رضایت از عرضه اثر

نتوان او را مجبور به تسلیم و یا انتشار اثرش نمود، حتی اگر منتقل الیه متخصص و یا متبحر در زمینه اثر خلق شده بود و از اثر خلق شده راضی باشد. در حقوق ایران از آنجا که قراردادهای انتقال حقوق پدید آورنده تابع قواعد عمومی قراردادهاست، لذا با توجه به اصل لزوم قراردادها و عدم پیش بینی موارد عدول و انصراف، پدید آورنده اثر ادبی و هنری پس از انعقاد قرارداد و تسلیم اثر، حق رجوع و عدول از قرارداد را ندارد. چون مطابق ماده ۲۸۹ قانون مدنی "عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود". اما اگر اثر تسلیم نشده و متعهد حاضر به تسلیم آن نباشد و نتوان او را مجبور به تسلیم اثرش کرد، چون ایفای تعهد، قائم به شخص پدید آورنده است و انجام تعهد توسط دیگری ممکن نیست، بنابراین در صورت خودداری از تسلیم، منتقل الیه صرفاً می تواند ادعای خسارت کند. در نتیجه می توان گفت حقوق ایران در این قسمت همان قاعده کلی حقوق فرانسه را پذیرفته است.

ج - حق حفظ یکپارچگی اثر و عنوان آن

حق حفظ یکپارچگی اثر و عنوان آن و به تعبیر عده ای حق حرمت اثر از جمله حقوق معنوی دیگری است که مخصوص پدید آورنده است که به موجب آن کسی حق ندارد اثرش را بدون موافقت او تغییر دهد، زیرا هرگونه تغییر در اثر به منزله تجاوز به اثر و در نتیجه به مثابه تجاوز به شخصیت پدید آورنده اثر است. به این ترتیب پدید آورنده اثر حق دارد یکپارچگی اثرش را در برابر هرگونه تحریف و تغییر مغایر اراده اش حفظ کند.

همینطور است عنوان اثر، که به موجب آن کسی نمی تواند عنوان اثر دیگری را تغییر دهد گرچه آن شخص قائم مقام پدید آورنده، و یا مفهوم عنوان جدید با عنوان قبلی یکی باشد؛ به عنوان مثال اگر عنوان اثر حقوق مؤلف باشد، نمی توان عنوان حقوق پدید آورنده را به این دلیل که پدید آورنده همان مؤلف است، جایگزین آن کرد.

حق حفظ یکپارچگی اثر در ماده ۱۹ قانون ۱۳۴۸ پیش بینی شده، در این ماده آمده است: "هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدید آورنده ممنوع است". ماده ۱۷ همین قانون هم در خصوص حفظ نام و عنوان اثر بیان می دارد: "نام و عنوان و نشانه ویژه ای که معرف اثر است، از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ کس نمی تواند آنها

را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبهه کند، به کار برد".

۲- حقوق مادی پدید آورنده

پدید آورنده اثر علاوه بر بهره‌وری از حقوق معنوی، از حق انحصاری بهره برداری مالی از اثری که پدید آورده بهره‌مند می‌گردد، به عبارت دیگر، هرگونه تصرف متضمن استفاده‌های مادی از اثر، متعلق به خود پدید آورنده است.

۲-۱ شرایط تحقق حقوق مادی

پدید آورنده زمانی می‌تواند از حقوق مادی اثرش برخوردار شود که اثر، وجود خارجی یافته و عرضه عمومی شده باشد. پس وقتی اثر عرضه عمومی نشده و صرفاً به صورت یک فکر در ذهن پدید آورنده است، هر چند توسط نامبرده بیان شود، از حمایت قانونی برخوردار نخواهد بود. شرط حمایت از حقوق مادی در ماده ۲۲ قانون ۱۳۴۸ و مواد ۴ و ۵ کنوانسیون رُم پیش بینی شده است. طبق ماده ۲۲ "حقوق مادی پدید آورنده زمانی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا نشده باشد." اما حمایت کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت هنرمندان نوازنده و اجراکننده و تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رُم ۱۹۶۱) طبق مواد ۴ و ۵ این کنوانسیون در صورتی شامل اثر می‌شود که یکی از اقدامات ذیل در کشور عضو کنوانسیون انجام شده باشد:

۱- اولین ضبط صدا صورت گرفته باشد. (ضابطه ضبط)

۲- اثر صوتی برای اولین بار عرضه شده باشد. (ضابطه عرضه)

۳- اولین اجرا به وقوع پیوسته باشد. (ضابطه اجرا)

توضیح اینکه علاوه بر موارد فوق، این کنوانسیون و سایر کنوانسیونهای بین‌المللی شرط تابعیت پدید آورنده اثر و اقامتگاه دائمی او را ملحوظ نظر قرار داده‌اند؛ یعنی در صورتی که اثر در هیچیک از کشورهای عضو کنوانسیون برای اولین بار ضبط، عرضه و یا اجرا نشده باشد اما پدید آورنده آن دارای تابعیت یکی از کشورهای عضو کنوانسیون بوده، یا اقامتگاه همیشگی او در یکی از

این کشورها باشد، می‌تواند در سایر کشورهای عضو کنوانسیون نیز از حمایت‌های مادی برخوردار گردد.

۲-۲ خصایص و ویژگیهای حقوق مادی

حقوق مادی دارای خصایص و ویژگیهایی چون قابل نقل و انتقال و موقتی بودن است. منظور از قابل نقل و انتقال بودن این است که پدید آورنده اثر ادبی و هنری می‌تواند حقوق مادی خود را نسبت به اثر ایجاد شده به دیگری منتقل کند؛ این انتقال ممکن است یک انتقال کلی و یا جزئی باشد. در انتقال کلی منتقل‌الیه دارای تمام حقوق مادی است که یک پدید آورنده در اثرش دارد و می‌تواند آنگونه که خود پدید آورنده از آن بهره‌مند است، استفاده کند، اما در صورت انتقال جزئی منتقل‌الیه صرفاً حق اعمال یک یا چند حقوق مشخص شده در قرارداد را دارد؛ برای مثال پدید آورنده یک اثر دراماتیک ممکن است حق اجرای اثرش را به مدیر اماکن تفریحی و نمایشی واگذار کند، یا ممکن است حق انتشار اثر نمایشی را به صورت کتاب به ناشری انتقال دهد، در چنین حالتی، مدیر اماکن تفریحی حق انتشار اثر نمایشی را به صورت کتاب و ناشر، حق نمایش اثر را ندارد. چنین انتقالی ممکن است به یک محدوده جغرافیایی خاص نیز محدود گردد.

مسأله واگذاری حقوق مادی پدید آورنده در ماده ۵ "قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" پیش‌بینی شده، در این ماده آمده است: "پدید آورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در تمام موارد از جمله موارد ذیل به غیر واگذار کند:

- ۱- تهیه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و مانند آن
- ۲- نمایش صحنه‌ای مانند تئاتر و باله و نمایشهای دیگر
- ۳- ضبط تصویری یا صوتی اثر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر
- ۴- پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر
- ۵- ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب‌ریزی و مانند آن
- ۶- استفاده اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری
- ۷- به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگر که در ماده دوم این قانون درج شده است."

علاوه بر موارد فوق، انتقال حقوق مادی ممکن است به موجب وصایت یا وراثت صورت پذیرد. این گونه انتقال حقوق مادی در ماده ۱۲ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان^۱ پیش بینی شده است. طبق این ماده مدت استفاده از حقوق مادی پدید آورنده موضوع این قانون، که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می شود، از تاریخ مرگ پدید آورنده ۳۰ سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر (فرهنگ و ارشاد اسلامی) قرار خواهد گرفت.

اما منظور از موقتی بودن حقوق مادی این است که برخلاف حقوق معنوی که همیشگی است و به زمان خاصی محدود نیست، حقوق مادی موقتی و به زمان معین محدود است. این مدت بر حسب مورد ممکن است از تاریخ مرگ پدید آورنده و یا وقوع واقعه خاص باشد؛ به این مفهوم که اگر اثر، اثر عکاسی یا سینمایی و یا اثر متعلق به شخص حقوقی باشد از تاریخ پیدایش اثر و در سایر موارد از تاریخ مرگ پدید آورنده است. این امر در مواد ۱۲ و ۱۶^۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان^۳ مصوب ۱۳۴۸ پیش بینی شده است. مطابق ماده ۱۶^۴ "در موارد زیر حقوق مادی پدید آورنده از تاریخ نشر یا عرضه به مدت سی سال مورد حمایت این قانون خواهد بود:

۱- اثرهای سینمایی یا عکاسی

۲- هرگاه اثر متعلق به شخص حقوقی باشد یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد"^۵ ماده ۱۲ همین قانون بیان می دارد: "مدت استفاده از حقوق مادی پدید آورنده موضوع این قانون سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر (فرهنگ و ارشاد اسلامی) قرار خواهد گرفت". این مدت در خصوص آثار مشترک سی سال بعد از فوت آخرین پدید آورنده است. کنوانسیونهای بین المللی حقوق مادی پدید آورنده اثر ادبی و هنری را محدود به مدت معین نمودند؛ از جمله کنوانسیون "برن"^۶ که مدت حمایت را ۵۰ سال بعد از فوت پدید آورنده، کنوانسیون "ژنو"^۷ و "پاریس"^۸ برای حیات پدید آورنده و ۲۵ سال پس از مرگ او و یا ۲۵ سال بعد از اولین انتشار اثر یا از تاریخ اولین ثبت پیش از انتشار اثر و در مورد آثار عکاسی یا آثار هنرهای تجسمی برای مدتی که کمتر از ده سال نباشد پذیرفته اند. این مدت در کنوانسیون "پاریس"^۹ در پاره ای موارد حتی به یک سال نیز کاهش یافته است.

کنوانسیون "رُم" ۱۹۶۱ نیز حقوق مادی پدید آورنده را برای حمایت هنرمندان نوازنده و اجراکننده، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی برای مدت ۲۰ سال آن هم از پایان سالی که ضبط، اجرا و یا پخش رادیو تلویزیونی انجام شده، پیش بینی کرده است.

۲-۳ انواع حقوق مادی

حقوق مادی پدید آورنده اثر هنری و ادبی را به دو قسم: ۱- حقوق مادی ناشی از استفاده مستقیم اثر و ۲- حقوق مادی ناشی از استفاده غیر مستقیم اثر می توان تقسیم نمود.

۲-۳-۱ حقوق مادی ناشی از استفاده مستقیم اثر

حقوق مادی ناشی از استفاده مستقیم اثر شامل حق نشر و تکثیر اثر، حق پخش اثر، ضبط اثر، حق اجرا و نمایش اثر و حق استفاده از پاداش و جایزه است.

الف- حق نشر و تکثیر اثر

نشر یعنی "نسخه برداری اثر به شکل قابل لمس و توزیع آن بین عموم بطوری که بتوان آن را خواند یا به صورت بصری دریافت نمود". (ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۵۲ ژنو و ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۷۱ پاریس) و "تکثیر یعنی تولید مجدد یک شکل محسوس و مادی به موجب چاپ، عکسبرداری، نسخه برداری، ضبط صدا یا سیما یا به گونه دیگر". (بند ۱۵ ماده ۲ قانون حق مؤلف ژاپن) که به موجب نوع اثر متفاوت است؛ به عنوان مثال "در خصوص آثار نمایشی تکثیر شامل ضبط صدا و سیمای بازبها یا عرضه این آثار و در مورد آثار معماری شامل ساختن اثر معماری مطابق با طرح آن است". (قسمت A و B بند ۱۵ قانون حق مؤلف ژاپن)

حق نشر و تکثیر اثر متعلق به پدید آورنده اثر است و بدون اجازه او نمی توان مبادرت به تکثیر و انتشار آن نمود. ماده ۲ "قانون ترجمه و تکثیر کتابها و نشریات و آثار صوتی" مقرر می دارد: "تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد فروش یا بهره برداری مادی از طریق چاپ، افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق ممنوع است"، بدین ترتیب پدید آورنده می تواند دیگران را از تکثیر اثر خود منع و یا به موجب انعقاد قرارداد با یا بدون دریافت

مبلغی به عنوان حق التالیف این حق را به دیگران واگذار کند. عقد این نوع قرارداد در حقوق ایران تابع مقررات خاص نیست بلکه تابع قواعد عمومی قراردادهاست و طبق ماده ۱۴ قانون ۱۳۴۸ برای مدت ۳۰ سال معتبر است. براساس این ماده "انتقال گیرنده حق پدید آورنده می تواند تا ۳۰ سال پس از واگذاری از این حق استفاده کند مگر اینکه برای مدت کمتر توافق شده باشد". به نظر می رسد بهتر است مدت اعتبار این نوع قرارداد از ۳۰ سال به ۵ یا ۱۰ سال کاهش یابد، چون معمولاً پدید آورنده به دلیل نیازهای مالی ناچار به تن دادن قراردادی با مدت طولانی به ضرر خود است.

ب- حق پخش اثر

پخش یعنی انتقال صداها یا تصاویر و صداها به وسیله بی سیم برای دریافت عموم و "پخش رادیویی یعنی عرضه رادیویی صدا که به منظور دریافت مستقیم مردم صورت می گیرد." (بند ۸ ماده ۲ قانون حق مؤلف ژاپن) و "پخش رادیو تلویزیونی یعنی عرضه عمومی صدا یا صدا و سیما توسط بی سیم برای دریافت عموم که از طرف عموم دریافت شود." (بند ۱ ماده ۱ قانون نمونه برای حمایت هنرمندان نوازنده و اجراکننده ۱۹۷۴) به عبارت دیگر، پخش رادیو تلویزیونی یعنی انتقال صداها یا تصاویر و صداها برای دریافت عموم به وسیله بی سیم.

"ضابطه پخش، زمانی به عنوان مبنای حمایت پذیرفته می شود که داری ویژگیهای زیر باشد:

ب - ۱ عرضه عمومی

منظور از عرضه عمومی آن است که آنچه پخش می شود باید مستقیماً توسط عموم دریافت شود. پخش در حیطه‌ای بیکران برنامه‌هایی را برای عموم، از روشنفکران گرفته تا عوام ارائه می دهد. آنچه که در این عنصر مهم است انتقال برای عموم است.

ب - ۲ وجود گیرنده

ویژگی دیگر پخش این است که باید گیرنده‌ای در کار باشد که بدون وجود آن صدا یا تصاویر توسط گوش یا چشم انسان قابل دریافت نباشد. در واقع، گوش دادن به یک نوار کاست یا صفحه نیز به یک دستگاه نیاز دارد منتها با این تفاوت که استفاده کننده صرفاً آن چیزی را می تواند ببیند یا بشنود که خود قبلاً انتخاب کرده است، اما شخص به وسیله پخش می تواند با فشار تکمه‌ای چیزهایی را که قبلاً به آنها فکر نکرده ببیند و بشنود.

ب - ۳ به شکل تصاویر، اصوات و یا علائم

ویژگی دیگر پخش این است که اثر پخش شده به شکل تصاویر، اصوات و یا نشانه به وسیله رادیو تلویزیون و یا وسایل مشابه پخش گردد^(۶).

حق بهره برداری مادی ناشی از پخش اثر طبق ماده ۳ قانون ۱۳۴۸ متعلق به پدید آورنده است و طبق ماده ۵ همین قانون قابل انتقال و واگذاری به دیگران است. پدید آورنده اثر رادیو تلویزیونی می تواند به موجب عقد قرارداد اجازه پخش اثر خویش را به سازمان رادیو تلویزیونی واگذار کند. با تحصیل اجازه پخش اثر از رادیو نمی توان آن را از تلویزیون پخش نمود. بلکه برای پخش اثر از تلویزیون نیاز به گرفتن اجازه دیگری است. همینطور با اجازه پخش از یک کانال تلویزیونی نمی توان اثر را از کانال دیگر پخش نمود، بلکه پخش از کانال دیگر، نیازمند اجازه مجدد است، مضافاً اینکه با تحصیل اجازه پخش برای یکبار نمی توان اثر را بیش از یک مرتبه پخش کرد.

ج - حقی ضبط اثر

از جمله حقوق مادی دیگر پدید آورنده حق ضبط اثر است. ضبط اثر باید با اجازه دارنده حق انحصاری انجام پذیرد. دارنده حق انحصاری ممکن است خود پدید آورنده یا قائم مقام او باشد، قائم مقام هم ممکن است منتقل الیه به موجب قرارداد و یا موصی له و وارث پدید آورنده اثر هنری باشد. ضبط اثر صوتی بدون اجازه پدید آورنده و یا قائم مقام او نیز در صورتی ممنوع است که به قصد فروش باشد. این حکم شامل ضبط برنامه های رادیو تلویزیونی و هرگونه وسایل مشابه دیگر می گردد، بنابراین اثر رادیو تلویزیونی را نمی توان بدون اذن دارنده حق انحصاری به قصد فروش و بهره برداری مادی ضبط کرد.

د - حقی اجرا و نمایش اثر

اجرا ممکن است به صورت اجرای زنده و یا غیرزنده و توسط ضبط و دیسکوتک و غیره باشد. تفاوت اجرا با پخش در این است که در اجرا استفاده کننده در هر زمانی که تمایل داشته باشد می تواند از اثر استفاده کند و در صورت تمایل می تواند آن را برای استفاده مجدد و یا استفاده از قسمت خاصی از اثر به کار گیرد ولی در پخش، چنانکه گذشت، چنین نیست. به علاوه عده محدودی از اجرا می توانند استفاده کنند، حال آنکه تمام مردم اعم از باسواد و بی سواد، کوچک و بزرگ می توانند از پخش بهره مند شوند.

پدید آورنده اثر هنری، بهره‌مند از حق اجرا و نمایش اثر خویش است. بدون اجازه او نمی‌توان اثرش را به اجرا و نمایش گذاشت، در صورت اجرا و نمایش اثر بدون اجازه پدید آورنده شخص متخلف از مجرای قانونی قابل پیگیری و مجازات است. اصل برخورداری پدید آورنده از حق اجرا و نمایش در ماده ۳ قانون ۱۳۴۸ پیش‌بینی شده است. برابر این ماده حقوق پدید آورنده شامل حق انحصاری اجرای اثر است.

هـ- حق استفاده از پاداش و جایزه

حق استفاده از پاداش و جایزه در دو مورد وحدت پدید آورنده اثر و صاحب پاداش و جایزه و عدم اتحاد آن دو قابل طرح است و در صورت انتقال، سایر حقوق مادی همچنان برای صاحب حق باقی است. غرض از وحدت پدید آورنده اثر و صاحب پاداش و جایزه این است که پدید آورنده اثر خود خالق ابتکار و خلاقیت موجود در اثر است و هدف از عدم اتحاد این است که خالق ابتکار و خلاقیت کسی و پدید آورنده اثر دیگری است و پاداش و جایزه هم نه به اثر بلکه به ابتکار و خلاقیت در ایفای نقش تعیین شده در اثر تعلق می‌گیرد. نمونه آشکار وحدت پدید آورنده اثر و صاحب پاداش و جایزه، نقاشی است که اثر نقاشی را پدید آورده، حق استفاده از حقوق مادی را به دیگری منتقل کند و پس از انتقال این حقوق در مسابقات علمی، ادبی و هنری شرکت نماید و به دریافت جایزه‌ای موفق گردد، این جایزه متعلق به خود پدید آورنده است نه منتقل‌الیه و نمونه عملی عدم اتحاد پدید آورنده اثر و صاحب پاداش و جایزه هنرپیشه‌ای است که به دستور کارگردان نقش خاصی را در فیلمی بازی می‌کند. این هنرپیشه خالق نقش خویش نیست، پاداش و جایزه هم نه به صرف ایفای نقش خاص بلکه به ابتکار و خلاقیت در ایفای آن نقش تعلق می‌گیرد که مبتکر آن هنرپیشه‌ای است که آن نقش را بازی می‌کند نه پدید آورنده اثر.

موضوع حق پاداش و جایزه در تبصره ماده ۱۳ قانون ۱۳۴۸ پیش‌بینی شده، در این تبصره آمده است: "پاداش و جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه آثار مورد حمایت این قانون موضوع این ماده تعلق می‌گیرد، متعلق به پدید آورنده خواهد بود." پیش‌بینی این حق در ذیل ماده ۱۳ که راجع به اثرهای ناشی از سفارش است به این دلیل که حق پاداش و جایزه مختص آثار سفارشی نبوده خالی از اشکال نیست، لذا لازم است برای شمول سایر آثار به صورت ماده‌ای مستقل درآید.

ب - ۲-۳-۲ حقوق مادی ناشی از استفاده غیرمستقیم اثر

حقوق مادی ناشی از استفاده غیرمستقیم اثر نیز به دو قسم حق تبدیل و ترجمه اثر تقسیم

می‌شود:

۱- حق تبدیل اثر

در حق تبدیل اثر دو حق مطرح است، یکی حق نسبت به اثر اصلی و دیگری حق نسبت به اثر اشتقاقی یا ثانوی، به بیان دیگر پدید آورنده اثر از حق انحصاری تبدیل اثر برخوردار است و بدون اجازه او نمی‌توان اثرش را تبدیل به اثر دیگری نمود؛ به عنوان مثال در تبدیل اثر ادبی چون رمان به فیلم سینمایی، حق پدید آورنده اثر اصلی برای تبدیل اثر محرز و مسلم بوده، او قادر است با دریافت حق التألیف یا بدون آن این اجازه را به دیگران واگذار کند. از سوی دیگر، تبدیل‌کنندگان آثار اولیه که اثر خود را به شکل جدیدی عرضه می‌دارند علاوه بر حقوق پدید آورنده اثر اولیه و بدون آنکه به حقوق آنها تجاوز شود، مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرند و از حقوق مادی اثر خود بهره‌مند می‌گردند؛ به عنوان مثال اگر تهیه‌کننده‌ای از زمان نویسنده‌ای فیلمی تهیه کند بدون اجازه او نمی‌توان فیلم را نمایش داد.

۲- حق ترجمه اثر

حق ترجمه اثر متعلق به پدید آورنده و قابل واگذاری به دیگران است. مترجم نیز از حقوقی همانند حقوق پدید آورنده، نسبت به اثر خویش (ترجمه) برخوردار است. پس قانون ترجمه اثر را چون اثر اصلی مورد حمایت قرار داده، مترجمانی که اثر را ترجمه نموده به شکل جدیدی عرضه می‌کنند، مشمول حمایت‌های خویش می‌دانند. لکن چنان که در کنوانسیون "پاریس" آمده، پس از انقضای مدت حمایت، می‌توان بدون اجازه پدید آورنده مبادرت به ترجمه اثرش نمود. طبق این کنوانسیون "هرگاه بعد از انقضای مدت ۷ سال از تاریخ اولین انتشار اثر، ترجمه چنین اثری به زبان رایج کشور عضو به وسیله صاحب حق ترجمه یا با اجازه او منتشر نشده باشد، هر فرد مقیم آن کشور می‌تواند به وسیله کسب اجازه غیرانحصاری از مرجع مجاز، اثر را به آن زبان ترجمه و یا ترجمه‌اش را منتشر کند." (قسمت الف - بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون پاریس ۱۹۷۱) و "در صورتی که مالک اثر اصلی مشخص نباشد، متقاضی اجازه نامه نسخه‌ای از درخواست ترجمه را به ناشری که نامش روی اثر آمده و اگر تابعیت دارنده حق ترجمه مشخص باشد به نمایندگی سیاسی یا کنسولی که مالک حق

تابعیت آن را دارد و یا به سازمان مشخص شده توسط حکومت آن کشور می‌فرستد". (قسمت ج - بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون پاریس).

نتیجه

از مجموع بحث‌های گذشته نتیجه می‌گیریم قانونگذار به منظور تشویق و ترغیب نویسندگان و هنرمندان به آفرینش آثار ادبی و هنری و حمایت از این قبیل آثار در صدد وضع "قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" و "قانون ترجمه و تکثیر کتابها و نشریات و آثار صوتی" برآمده، حقوق مادی و معنوی را برای آنها در نظر گرفته است. حقوق مادی موقتی و قابل انتقال به دیگران است اما حقوق معنوی دائمی است و قابل انتقال به دیگران نیست بلکه صرفاً اجرای آن را می‌شود به دیگران منتقل کرد.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- دکتر ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق - صفحه ۲۰۰
- ۲- دکتر کیوان آذری، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۲ صفحه ۵
- ۳- دکتر ناصر کاتوزیان - مقدمه علم حقوق - صفحه ۱۹۹
- ۴- دکتر ناصر کاتوزیان - مقدمه علم حقوق - صفحه ۲۰۰
- ۵- ترجمه دکتر محسن فرشاد - مجله مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره ۲ صفحه ۵۸
- ۶- نشریه ویپو - ۷ نوامبر ۱۹۷۷ صفحه ۵۲ تا ۴۹

سایر منابع مورد استفاده



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی